

The Impact of Physical Components of Historical Mosque Architecture on the Identity of Contemporary Mosques

1. Ahmad Pourmohseni^{ID}: Department of Architecture, Par.C., Islamic Azad University, Pardis, Iran

2. Alireza Razeghi^{ID}*: Department of Restoration and Revival of Historical Buildings and Contexts, Faculty of Conservation and Restoration, Iran University of Art, Tehran, Iran.

3. Nasim Ashrafi^{ID}: Department of Architecture, Par.C., Islamic Azad University, Pardis, Iran

*Corresponding Author's Email Address: Razeghi@art.ac.ir

How to Cite: Pourmohseni, A., Razeghi, A., & Ashrafi, N. (2026). The Impact of Physical Components of Historical Mosque Architecture on the Identity of Contemporary Mosques. *Manifestation of Art in Architecture and Urban Engineering*, 4(3), 1-19.

Abstract:

This study was conducted with the aim of examining the impact of physical architectural components, including form, spatial geometry, light, materials, and ornamentation, on the identity characteristics of contemporary mosques. The research also focuses on developing an analytical understanding of the relationship between physical design, human experience, and cultural memory in the formation of mosque spatial identity. The present study adopts a qualitative, comparative, and analytical approach. Four case studies were examined, including two historical mosques (Imam Mosque and Sheikh Lotfollah Mosque in Isfahan) and two contemporary mosques (Shahrak-e Gharb Grand Mosque in Tehran as a domestic example and Cologne Central Mosque in Germany as an international example). Data were extracted through field analysis, architectural documentation, and library sources, and were evaluated using a comparative analysis method focusing on physical elements and user experience. The comparative analysis revealed that coherence among form, spatial geometry, light, materials, and ornamentation, together with attention to users' lived experience and cultural memory, plays a key role in shaping the spatial, spiritual, and cultural identity of mosques. Traditional mosques create a multilayered experience of presence, belonging, and spirituality, whereas some contemporary mosques, due to the elimination or superficial reproduction of traditional elements, have limited user experience and primarily focused on functional and visual aspects. Furthermore, the findings emphasize that the intelligent integration of modernity with meaning-oriented and experience-based traditional elements enables the creation of identity-rich and sustainable spaces. Successful architecture in the domain of contemporary mosques is not merely the reproduction of forms, but rather the placement of meaning, human experience, and cultural memory at the core of design. Therefore, the creative reinterpretation of traditional elements, combined with the intelligent use of modern technologies and materials, is a fundamental condition for creating human-centered, meaningful, and identity-oriented spaces. This approach, in addition to enhancing spatial quality and aesthetics, strengthens the connection between society, culture, and spirituality and provides a practical model for the design of contemporary religious spaces.

Keywords: Islamic architecture, physical components, identity characteristics, sense of place, indigenous materials

Received: 27 October 2025

Revised: 11 March 2026

Accepted: 18 March 2026

Initial Publication: 22 April 2026

Final Publication: 23 September 2026



تأثیر مولفه‌های کالبدی معماری مساجد تاریخی بر هویت مساجد معاصر

۱. احمد پور محسنی^{ID}: گروه معماری، واحد پردیس، دانشگاه آزاد اسلامی، پردیس، ایران

۲. علی رضا رازقی^{ID*}: گروه مرمت و احیاء بناها و بافتهای تاریخی، دانشکده حفاظت و مرمت، دانشگاه هنر ایران، تهران، ایران. (نویسنده مسئول)

۳. نسیم اشرافی^{ID}: گروه معماری، واحد پردیس، دانشگاه آزاد اسلامی، پردیس، ایران

*پست الکترونیک نویسنده مسئول: Razeghi@art.ac.ir

نحوه استناددهی: پور محسنی، احمد، رازقی، علی رضا، و اشرافی، نسیم. (۱۴۰۵). تأثیر مولفه‌های کالبدی معماری مساجد تاریخی بر هویت مساجد معاصر. تجلی هنر در معماری و شهرسازی، ۴(۳)، ۱۹-۱.

چکیده

این مطالعه با هدف بررسی تأثیر مولفه‌های کالبدی معماری شامل فرم، هندسه فضایی، نور، مصالح و تزئینات بر شاخصه‌های هویتی مساجد معاصر انجام گردیده است. همچنین تمرکز این پژوهش بر ایجاد درک تحلیلی از ارتباط میان طراحی کالبدی، تجربه انسانی و حافظه فرهنگی در خلق هویت فضایی مساجد بوده است. پژوهش حاضر از رویکرد کیفی، تطبیقی و تحلیلی بهره برده است. چهار نمونه موردی شامل دو مسجد تاریخی (مسجد امام و مسجد شیخ لطف‌الله اصفهان) و دو مسجد معاصر (مسجد جامع شهرک غرب تهران نمونه داخلی و مسجد جامع کلن آلمان نمونه خارجی) مورد بررسی قرار گرفتند. داده‌ها از تحلیل میدانی، مستندات معماری و منابع کتابخانه‌ای استخراج شده است و نیز با استفاده از روش تحلیل تطبیقی، عناصر کالبدی و تجربه کاربران مورد ارزیابی قرار گرفته است. تحلیل تطبیقی نشان داد که میان فرم، هندسه فضایی، نور، مصالح و تزئینات، همراه با توجه به تجربه زیسته کاربران و حافظه فرهنگی، نقش کلیدی در شکل‌گیری هویت فضایی، معنوی و فرهنگی مساجد انسجام وجود دارد. مساجد سنتی تجربه‌ای چندلایه از حضور، تعلق و معنویت را ایجاد می‌کنند، در حالی که برخی مساجد معاصر به دلیل حذف یا بازتولید سطحی عناصر سنتی، تجربه کاربران را محدود ساخته است و به عملکرد و جنبه‌های بصری توجه اصلی خود را معطوف کرده‌اند. همچنین، یافته‌ها تأکید دارند که تلفیق هوشمندانه نوگرایی با عناصر معناگرا و تجربه‌محور سنت، امکان خلق فضاهایی هویت‌مند و پایدار را فراهم می‌آورد. معماری موفق در عرصه مساجد معاصر آن است که نه صرفاً فرم‌ها را بازتولید کند، بلکه معنا، تجربه انسانی و حافظه فرهنگی را در مرکز طراحی قرار دهد. لذا بازخوانی خلاقانه عناصر سنتی همراه با کاربرد هوشمندانه فناوری و مصالح نوین، شرط اصلی خلق فضاهای انسان‌محور، معنابخش و هویت‌مند است. این رویکرد، علاوه بر ارتقای کیفیت فضایی و زیبایی‌شناسی، پیوند میان جامعه، فرهنگ و معنویت را تقویت کرده است و الگویی عملی برای طراحی فضاهای مذهبی امروز ارائه می‌دهد.

کلیدواژه‌گان: معماری اسلامی، مولفه‌های کالبدی، شاخصه‌های هویتی، حس مکان، مصالح بومی

تاریخ دریافت: ۵ آبان ۱۴۰۴

تاریخ بازنگری: ۲۰ اسفند ۱۴۰۴

تاریخ پذیرش: ۲۷ اسفند ۱۴۰۴

اولین انتشار: ۲ اردیبهشت ۱۴۰۵

انتشار نهایی: ۱ مهر ۱۴۰۵



مقدمه

مساجد به عنوان فضاهای عبادی، فرهنگی و اجتماعی، از جایگاه ویژه‌ای در تاریخ معماری ایران از دیرباز برخوردار بوده‌اند. این بناها نه تنها محلی برای اقامه نماز و عبادت، بلکه نماد پیوند میان جامعه، بعنوان پایگاه فرهنگ و معنویت بوده‌اند. معماری سنتی مساجد ایرانی، با بهره‌گیری از هندسه متقارن، سلسله‌مراتب فضایی، نور طبیعی، مصالح بومی و تزئینات معناگرا، توانا بوده‌اند که تجربه‌ای چندلایه از حضور، تعلق و معنویت را در کاربران بگونه‌ای خلق کرده و تجربه‌ای که هم زیبایی‌شناسی فضا و هم حس حضور معنوی را تقویت می‌کرد. مسئله تحقیق تکامل معماری مساجد صرفاً یک پیشرفت هنری یا مهندسی نیست. بلکه منعکس‌کننده تحولات گسترده‌تری است که جهان اسلام را شکل داده است. همزمان با تکامل مساجد از فضاهای ساده و کاربردی به مظاهر باشکوه قدرت، تقوا و هویت فرهنگی است (1).

همچنین در بررسی‌های فرامرزی نیز تکامل معماری مساجد در اروپا عمیقاً تحت تأثیر تجربیات تاریخی، فرهنگی و مذهبی جوامع مسلمان بوده است. معماری سنتی اسلامی - که با ویژگی‌هایی مانند الگوهای هندسی، خوشنویسی و طرح‌های پیچیده تعریف می‌شود - به عنوان پایه‌ای برای تفاسیر معاصر عمل کرده است. با گذشت زمان، طرح‌های مساجد از اقتباس‌های خاص منطقه‌ای به اشکال مدرنی تغییر یافته‌اند که منعکس‌کننده هویت جهانی شده جوامع مسلمان هستند (2). با ورود خدمات و طراحی‌های فناوری‌ها و بهره‌ای از مصالح نوین و همچنین تغییرات اجتماعی و اقتصادی در دهه‌های اخیر، معماری مساجد معاصر با چالش‌های جدیدی روبه‌رو شده است. امروزه بسیاری از مساجد معاصر، با تمرکز صرف بر عملکرد یا بازتولید سطحی فرم‌های سنتی، بخش وسیعی از تجربه معنوی و هویتی کاربران را از دست داده‌اند (3).

- نیاز به ارائه چارچوبی طراحی محور و معناگرا برای مساجد معاصر که بتواند هم‌زمان طرح‌های نوگرایانه و سنتی را تلفیق کند.
- کمبود مطالعات تطبیقی و تحلیلی در سطح ایران که به بررسی تأثیر مؤلفه‌های کالبدی بر شاخصه‌های هویتی مساجد بپردازد.

بنظر می‌رسد بتوان با پاسخ به این نیازها میزان تأثیر بر هویت را سنجید و نیز علاوه بر ارتقاء کیفیت فضایی و زیبایی‌شناسی، حس تعلق، معنویت و تجربه انسانی کاربران را تقویت نمود و الگویی عملی برای طراحی مساجد امروز ارائه نمود.

بر این اساس، سوال پژوهش این می‌باشد:

چگونه مؤلفه‌های کالبدی و عناصر معنابخش معماری مساجد تاریخی می‌توانند در طراحی مساجد معاصر بازخوانی و بازتولید شوند تا با تلفیق هوشمندانه سنت و نوگرایی، هویت فضایی، فرهنگی و تجربه معنوی کاربران ارتقاء یابد؟

این پژوهش با بهره‌گیری از رویکرد کیفی، تطبیقی و تحلیلی، چهار نمونه تاریخی و معاصر را بررسی کرده و تلاش می‌کند با ارائه تحلیل دقیق مؤلفه‌های کالبدی، چارچوبی عملی و انسان‌محور برای طراحی مساجد معاصر ارائه دهد.

پیشینه نظری

مفاهیم هویت و معنا بخشی در معماری مساجد

مطالعات در زمینه معماری اسلامی نشان داده‌اند که هویت فضایی مساجد تنها از فرم و عملکرد ناشی نمی‌شود، بلکه با پیوند میان معنا، فرهنگ و تجربه انسانی شکل می‌گیرد (1, 4). زمینه‌های محلی، مانند تاریخ مهاجرت و ترکیب جمعیتی جامعه، نقش مهمی در شکل‌دهی به ترجیحات معماری و تجربه‌ی عبادت در مساجد دارند (5). پژوهشگرانی مانند خاکزند (۱۳۸۷) و فلاح (۱۳۹۶) بر اهمیت «معناگرایی فضایی» تأکید کرده‌اند، به این معنا که هر مؤلفه کالبدی از هندسه و سلسله‌مراتب فضایی تا تزئینات و نورپردازی باید تجربه روانی و معنوی کاربران را تقویت کند. این دیدگاه نشان می‌دهد که بازتولید صرف فرم‌های سنتی بدون توجه به معنا، نمی‌تواند تجربه هویت‌مند و حضور معنوی را ایجاد کند (6, 7). معماری اسلامی با سبک معماری منحصر به فرد خود که مظهر ارزش‌های اجتماعی، آداب و رسوم و سنت‌های اسلامی است، مشخص می‌شود. با تکامل اشکال معماری، تأثیرات هنر غربی شروع به پدیدار شدن کرد و در نتیجه برخی از عناصر در هنر اسلامی از بین رفتند (8). در مسجد بر گرفتن عناصری از سنت‌های محلی، به چیزی بیش از یک سازه مذهبی تبدیل می‌شود، و به گواهی زنده از بافت غنی آداب و رسوم و ارزش‌هایی تبدیل می‌شود که هویت شهر را تعریف می‌کنند. هنگامی که نمازگزاران در زیر گنبد آن جمع می‌شوند، سنت‌های ریشه‌دار و تاریخ مشترکی که آنها را به عنوان یک جامعه به هم پیوند می‌دهد، به آنها یادآوری می‌شود. این حس تداوم و ارتباط فرهنگی، پیوندهای اجتماعی را تقویت کرده و حس هویت جمعی را تقویت می‌کند (3).

مؤلفه‌های کالبدی و تجربه انسانی در فضا

تحلیل تطبیقی مساجد تاریخی، از جمله مسجد امام اصفهان و مسجد شیخ لطف‌الله، نشان می‌دهد که هندسه متقارن، سلسله‌مراتب فضایی، نور طبیعی و مصالح بومی در خلق تجربه چندلایه حضور و آرامش روانی نقش کلیدی دارند (9, 10). مطالعات کیانی و آرایش (۱۳۹۲) و حمزه‌نژاد و عربی (۱۳۹۲) نیز بر این نکته تأکید دارند که تجربه عبادی کاربران با کیفیت کالبدی فضا ارتباط مستقیم دارد و سازمان فضایی سلسله‌مراتبی و نمادهای بصری می‌توانند حس تعلق به مکان و پیوند با سنت را تقویت کنند (11, 12).

تعامل نوگرایی و سنت در معماری معاصر

در دهه‌های اخیر، معمارانی مانند اردلان و نادری (۱۳۸۷) و ندیمی، (۱۳۸۵) بر ضرورت تلفیق هوشمندانه نوگرایی با اصول سنتی تأکید کرده‌اند. تحلیل نمونه‌های معاصر، مانند مسجد جامع شهرک غرب تهران، نشان می‌دهد که بازخوانی خلاقانه فرم‌ها و تزئینات سنتی، همراه با بهره‌گیری از مصالح و فناوری‌های نوین، امکان خلق فضاهای هویت‌مند و معناگرایانه را فراهم می‌آورد. این رویکرد، برخلاف تقلید سطحی فرم‌های سنتی، با تأثیر از شیوه‌های سنتی، تجربه انسانی و حافظه فرهنگی را در کانون توجه طراحی قرار می‌دهد و بر توسعه چارچوب‌های طراحی معناگرایانه در معماری معاصر تأثیر می‌گذارد (9, 13). اکثریت قریب به اتفاق مسلمانان، برخی از معماران معتقدند که مساجد جدید همیشه باید از سبک‌های تاریخی رایج الگوبرداری شوند. تعداد کمتری از معماران، و برخی دیگر، مسجد را به عنوان یک مفهوم مدرن و عاری از گذشته می‌بینند. با این حال، تعداد طرح‌های مدرن در مساجد تازه ساخته شده به طور قابل توجهی کمتر است. با

توجه به اینکه منابع اسلامی حاوی دستورالعمل‌های دقیقی برای طراحی مسجد نیستند، دلیلی برای طراحی مسجد امروزی به سبک‌های گذشته وجود ندارد (1). (14).

کاربرد فناوری و مصالح نوین در ارتقاء تجربه معنوی

با ورود فناوری‌های نوین و مصالح صنعتی از دهه هشتاد شمسی، امکان نوآوری فرمی و عملکردی در طراحی‌ها فراهم شد، اما برخی پژوهش‌ها نشان داده‌اند که استفاده نامناسب از این ابزارها می‌تواند تجربه معنوی و حس قدسی فضا را کاهش دهد (15). پژوهشگران بر این باورند که ترکیب خلاقانه مصالح مدرن با عناصر سنتی، به شرط حفظ معنا و ارتباط با حافظه فرهنگی، می‌تواند تأثیرات قابل توجهی داشته باشد و فضاهایی خلق کند که هم پاسخگوی نیازهای معاصر و هم تجربه حضور معنوی را ارتقاء دهد.

مرور پیشینه نظری نشانگر این موضع هستند که هویت و معنابخشی در معماری مساجد معاصر، حاصل تعامل هوشمندانه میان فرم، هندسه فضایی، نور، مصالح و تزئینات با تجربه انسانی و حافظه فرهنگی می‌باشد. پژوهش‌های تاریخی و معاصر بیانگر این هستند که تنها بازتولید فرم‌ها کافی نبوده بلکه تلفیق تأثیر گرفته و خلاقانه سنت و نوآوری، با محوریت معناگرایی فضایی، شرط لازم برای ایجاد فضاهای هویت‌مند، انسان‌محور و معنابخش خواهد بود.

چارچوب نظری

معماری مساجد به عنوان بستر اصلی فعالیت‌های عبادی، فرهنگی و اجتماعی، همواره فراتر از کارکردهای عملگرایی، به خلق تجربه‌های انسانی و معنابخش توجه داشته است. این تجربه، نتیجه تعامل پیچیده و درهم‌تنیده‌ای میان مؤلفه‌های کالبدی چون فرم، هندسه فضایی، نور، مصالح، تزئینات و تجربه انسانی است که شاکله هویت فضایی، فرهنگی و معنوی مساجد را می‌سازد (1, 4). از این منظر، فضاهای مذهبی نه تنها باید پاسخگوی نیازهای عبادی باشند، بلکه باید حس حضور، تعلق و معنا را در کاربران تقویت کنند (6, 7).

مؤلفه‌های کالبدی و معناگرایی

مؤلفه‌های کالبدی شامل فرم، هندسه فضایی، نور، مصالح و تزئینات، بستر اصلی ایجاد معنا و تجربه انسانی در فضای مسجد هستند (4, 14). ترکیب هندسه متقارن با نور طبیعی و استفاده از مصالح بومی و سنتی، کاربران را به تجربه‌ای معناگرا و حضور فعال در فضا هدایت می‌کند. پژوهش فلاحت (۱۳۹۶) نشان داده‌اند که حذف یا بازتولید سطحی و غیرکارآمد این مؤلفه‌ها در مساجد معاصر باعث کاهش حس تعلق، افت کیفیت تجربه معنوی و گسست فرهنگی می‌شود (7).

حافظه فرهنگی، رمزگان و عناصر نشانه‌ای

پیوند عمیق میان فضا و فرهنگ در معماری مساجد از طریق رمزگان و نشانه‌ها و عناصر معنابخش مانند مناره، محراب، طاق‌ها و تزئینات خطاطی و کاشی‌کاری صورت می‌گیرد (1, 11). این عناصر نه تنها حافظه جمعی کاربران را فعال می‌کنند بلکه تجربه عبادی را نیز به یک تجربه معنادار و فرهنگی تبدیل می‌سازند. بازخوانی خلاقانه و هوشمندانه این نشانه‌ها در طراحی مساجد معاصر، زمینه‌ساز تقویت تجربه معنوی و همچنین ایجاد امکان نوآوری و پویایی در چارچوب سنت می‌شود.

تعامل سنت گرایی و نوگرایی

ورود فناوری‌ها و مصالح نوین در معماری معاصر، فرصت‌های بی‌ظنیری برای خلق فرم‌های نوین، بهبود عملکرد و ارتقای کیفیت فضا فراهم کرده است (15). از طرفی پژوهش‌ها نشان می‌دهند که استفاده نادرست و سطحی از این فناوری‌ها ممکن است به کاهش حس قداست، گسست از سنت و تضعیف تجربه معنوی منجر شود. از این رو، تلفیق خلاقانه عناصر سنتی با نوگرایی و مصالح مدرن، شرط لازم و اساسی برای خلق مساجدی است که هم هویت‌مند، هم انسان‌محور و هم معناگرا باشند (9, 13). معماری مذهبی اسلامی در دهه‌های اخیر به دلیل تحولات فرهنگی، پیشرفت‌های تکنولوژیکی و نوآوری‌های هنری متحول شده است. مساجد، به عنوان نمادهای تقدس معنوی و هویت جمعی، نیز تحت تأثیر معماری مدرن قرار گرفته‌اند (2, 16).

چارچوب معناگرا در طراحی معاصر

مساجد به عنوان نماد بیرونی و قابل مشاهده اسلام، در تمام نقاط جهان مدرن یافت می‌شوند. مسجد همچنان در مرکز اسلام قرار دارد و به عنوان نقطه کانونی جوامع مسلمان در سراسر جهان عمل می‌کند (2, 13).

بر اساس یافته‌های پژوهش‌های پیشین و تحلیل نمونه‌های تاریخی و معاصر، طراحی مساجد معاصر باید بر چهار اصل کلیدی استوار باشد:

- حفظ و بازخوانی خلاقانه عناصر سنتی، نمادها و نشانه‌های فرهنگی
- تمرکز ویژه بر تجربه انسانی، روانی و معنوی کاربران در فضا
- ایجاد انسجام و هماهنگی میان فرم، هندسه فضایی، نور، مصالح و تزئینات
- بهره‌گیری هوشمندانه و معنادار از فناوری‌ها و مصالح نوین در خدمت ارتقای هویت و معنای فضا

چارچوب نظری حاضر، مبنای تحلیلی این پژوهش است و امکان ارزیابی دقیق نقش مؤلفه‌های کالبدی در خلق هویت فضایی، فرهنگی و معنوی مساجد معاصر را فراهم می‌آورد. همچنین این چارچوب، مسیر طراحی انسان‌محور، هویت‌مند و معناگرا را در معماری معاصر مساجد تعیین و مشخص می‌سازد.

روش تحقیق

در پژوهش حاضر، هدف بررسی تأثیر مؤلفه‌های کالبدی معماری بر شاخصه‌های هویتی مساجد معاصر ایران است. به همین منظور، روش تحقیق به گونه‌ای طراحی شده است که علاوه بر تحلیل کیفیت فضایی و کالبدی، ارتباط میان تجربه انسانی، حافظه فرهنگی و عناصر نشانه‌ای نیز مدنظر قرار گیرد. این فصل چارچوب روش‌شناختی تحقیق، جامعه و نمونه‌های مورد مطالعه، ابزارها و روش‌های جمع‌آوری و تحلیل داده‌ها را تشریح می‌کند.

نوع پژوهش

پژوهش حاضر از نوع کیفی، تطبیقی و تحلیلی است و با رویکرد اکتشافی انجام شده است. این رویکرد امکان بررسی عمیق و انسانی مفاهیم پیچیده‌ای مانند هویت فضایی، تجربه معنوی و پیوند با سنت را فراهم می‌آورد و هم‌زمان، تحلیل تطبیقی نمونه‌های تاریخی و معاصر، فرصت شناسایی الگوها، فاصله‌ها و چالش‌های طراحی نوین را میسر می‌سازد.

جامعه و نمونه پژوهش

نمونه‌های موردی انتخاب شده شامل چهار مسجد هستند:

• مساجد تاریخی: مسجد امام و مسجد شیخ لطف‌الله اصفهان.

• مساجد معاصر: مسجد جامع شهرک غرب تهران و مسجد جامع کلن (آلمان) نمونه خارجی.

معیار انتخاب این نمونه‌ها شامل:

• اعتبار تاریخی و فرهنگی مساجد سنتی

• تنوع معماری معاصر و سطح نوآوری در طراحی

• امکان دسترسی به داده‌های معماری و تجربه کاربران

• نشان‌دهنده پیوند یا فاصله میان فرم، معنا و تجربه انسانی

این نمونه‌ها نمایانگر طیف وسیعی از تجربه طراحی، از سنتی تا معاصر، و امکان تحلیل تطبیقی دقیق را فراهم می‌آورند.

ابزارها و روش جمع‌آوری داده‌ها

جمع‌آوری داده‌ها از سه منبع اصلی انجام شد:

• مطالعات میدانی و مشاهده مستقیم: بررسی کالبدی، هندسه فضایی، نورپردازی، مصالح و تزئینات در نمونه‌های تاریخی و معاصر.

• تحلیل اسنادی: استفاده از نقشه‌ها، عکس‌ها، طرح‌ها و منابع کتابخانه‌ای مرتبط با تاریخچه و ویژگی‌های معماری مساجد.

• مطالعه تجربی کاربران: مرور گزارش‌ها و مطالعات موجود درباره تجربه معنوی و حس تعلق کاربران، به‌خصوص در نمونه‌های معاصر که امکان

دسترسی به کاربران وجود دارد.

روش تحلیل داده‌ها

تحلیل داده‌ها در دو مرحله انجام شد:

• تحلیل کیفی: بررسی عمیق ویژگی‌های کالبدی و تجربه انسانی در هر نمونه به‌صورت جداگانه، با تمرکز بر انسجام میان فرم، معنا و حافظه فرهنگی.

• تحلیل تطبیقی: مقایسه میان نمونه‌های تاریخی و معاصر برای شناسایی نقاط قوت، ضعف و فرصت‌های نوآوری معناگرا. این مرحله شامل بررسی

میزان تأثیر مؤلفه‌های کالبدی بر شاخصه‌های هویتی و ارزیابی فاصله میان فرم و معنا در مساجد معاصر است.

این روش تحلیل، امکان تطبیق یافته‌ها با رویکرد کیفی و انسانی تحقیق را فراهم می‌آورد، به‌گونه‌ای که نتایج فصل چهارم، هم مستقل و هم مرتبط با روش

تحقیق باشند.

رویکرد کیفیت و اعتبار داده‌ها

برای افزایش اعتبار و روایی داده‌ها، موارد زیر رعایت شد:

• تنوع نمونه‌ها از نظر تاریخی، جغرافیایی و طراحی

• استفاده از منابع متعدد برای هر مسجد (اسناد، نقشه‌ها، عکس‌ها، مطالعات پیشین)

- تحلیل تطبیقی و جمع‌بندی چند منظوره که با نگاه انسانی و معناگرا انجام شد.
- ثبت و مستندسازی مشاهدات به صورت دقیق و نظام‌مند برای بازتولید نتایج

روش تحقیق حاضر، با تلفیق رویکرد کیفی، تحلیلی و تطبیقی، امکان بررسی ارتباط مستقیم میان مؤلفه‌های کالبدی و شاخصه‌های هویتی مساجد معاصر را فراهم آورد. طراحی پژوهش به گونه‌ای است که یافته‌ها، هم استقلال علمی داشته باشند و هم در فصل بعد (یافته‌ها و تحلیل) بتوانند مستقیماً به ارزیابی نمونه‌ها و ارائه چارچوب عملی طراحی معناگرا منجر شوند.

یافته‌ها و تحلیل

پژوهش حاضر با هدف بررسی تأثیر مؤلفه‌های کالبدی معماری بر شاخصه‌های هویتی مساجد معاصر ایران، با تمرکز بر چهار نمونه موردی تاریخی و معاصر، نشان می‌دهد که فرم، هندسه فضایی، نور، مصالح و تزئینات نه تنها جنبه‌های بصری و عملکردی فضا را شکل می‌دهند، بلکه ارتباطی مستقیم با تجربه انسانی، حافظه فرهنگی و حس مکان کاربران برقرار می‌کنند. تحلیل تطبیقی نمونه‌های تاریخی و معاصر، فرصت‌ها و محدودیت‌های معماری معاصر را در ایجاد فضایی هویت‌مند، معناگرا و انسان‌محور روشن می‌سازد.

معرف و تحلیل نمونه‌های موردی تاریخی

مسجد امام اصفهان

مسجد امام با سازمان فضایی متقارن و سلسله‌مراتبی، نمونه‌ای برجسته از تجربه معنوی و حس مکان در معماری اسلامی است. مسیرهای ورود و حرکت در فضا با دقت طراحی شده‌اند تا کاربران را از حیاط به شبستان و سپس به محراب هدایت کنند و هر مرحله از حرکت، تجربه‌ای تازه و تدریجی از حضور در مکان ایجاد نماید.

نور طبیعی با عبور از گنبدها و پنجره‌های مشبک، کیفیت روانی و معنوی فضا را تقویت می‌کند و توجه به مصالح بومی و تزئینات معناگرا، حس تعلق فرهنگی و پیوند با سنت را در کاربران تقویت می‌کند. ترکیب این مؤلفه‌ها تجربه‌ای چندلایه از حضور، آرامش و معنویت ارائه می‌دهد که فراتر از زیبایی‌شناسی صرف است و ارتباط عمیقی با حافظه جمعی و عبادت فردی دارد.

مسجد شیخ لطف الله

مسجد شیخ لطف‌الله با تأکید بر هندسه دقیق و تزئینات هنرمندانه، نمونه‌ای ممتاز از تلفیق فرم و معنا است. فضای داخلی با حداقل عناصر سازه‌ای و بیشینه‌سازی نور طبیعی، امکان تمرکز و تجربه عرفانی را فراهم می‌آورد. سازمان فضایی سلسله‌مراتبی و مسیرهای هدایت‌شده، حرکت کاربران را به تجربه‌ای تدریجی و معنابخش تبدیل می‌کند. در این مسجد، هر عنصر کالبدی، از گنبد تا محراب، نقشی نمادین و عملکردی ایفا می‌کند که با تجربه انسانی و حافظه فرهنگی در پیوند است.

معرفی و تحلیل نمونه‌های موردی معاصر

مسجد جامع شهرک غرب

مسجد جامع شهرک غرب نمونه‌ای موفق از معماری معاصر است که توانسته تلفیقی میان سنت و نوگرایی ایجاد کند. فرم‌ها و تزئینات سنتی به صورت معناگرا بازخوانی شده و با مصالح مدرن ادغام گردیده‌اند. سلسله‌مراتب فضایی و مسیرهای حرکت، ضمن پاسخگویی به نیازهای عملکردی، تجربه عبادی کاربران را ارتقاء می‌دهد. نور و مصالح به گونه‌ای انتخاب شده‌اند که کیفیت روانی فضا حفظ شود و حس تعلق به فرهنگ و پیوند با سنت تقویت گردد. این مسجد نشان می‌دهد که معماری معاصر، با درک مفهومی عناصر سنتی و تلفیق هوشمند آن‌ها با نوآوری، می‌تواند فضایی هویت‌مند و معنابخش خلق کند.

مسجد جامع کلن المان

مسجد جامع کلن نمونه‌ای چالش‌برانگیز در معماری معاصر است. گرچه فرم‌های سنتی بازتولید شده‌اند، اما بسیاری از مؤلفه‌های بنیادین، مانند سلسله‌مراتب فضایی و نورپردازی تدریجی، یا حذف شده‌اند یا به صورت سطحی پیاده‌سازی شده‌اند. این امر باعث شده تجربه کاربران محدود به جنبه‌های عملکردی و بصری باشد و حس تعلق و حضور معنوی کاهش یابد. این نمونه اهمیت توجه به مفاهیم بنیادین معماری سنتی و پیوند آن‌ها با تجربه انسانی و حافظه فرهنگی را به روشنی نشان می‌دهد.

تحلیل تطبیقی مؤلفه‌های کالبدی و هویتی

تحلیل تطبیقی چهار نمونه موردی نشان می‌دهد که مؤلفه‌های کالبدی، اعم از فرم، هندسه فضایی، نور، مصالح و تزئینات، نقشی کلیدی در ایجاد هویت فضایی و تجربه انسانی دارند. در مساجد تاریخی، این مؤلفه‌ها با هدف خلق تجربه‌ای چندلایه، حس تعلق و معنویت طراحی شده‌اند، در حالی که برخی مساجد معاصر بدون درک مفهومی این عناصر، تنها فرم‌های ظاهری را بازتولید کرده‌اند.

پیوند میان فرم و معنا، بهره‌گیری هوشمندانه از حافظه فرهنگی، و توجه به تجربه عبادی کاربران، شروط لازم برای خلق فضاهای هویت‌مند و انسان‌محور در معماری معاصر است. محدودیت‌های اقتصادی، عملکردی و اجتماعی، چالش‌هایی برای معماران معاصر ایجاد می‌کنند، اما همزمان فرصت‌هایی برای نوآوری معناگرا و بازخوانی خلاقانه سنت فراهم می‌آورند.

در مجموع، یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که:

- تجربه معنوی و حس مکان در مساجد تاریخی با هندسه متقارن، سلسله‌مراتب فضایی و نور طبیعی ایجاد شده و حس تعلق، آرامش روانی و معنویت را تقویت می‌کند.
- بازتولید صرف فرم‌های سنتی در معماری معاصر کافی نیست و تلفیق هوشمند عناصر سنتی با نوگرایی و مصالح مدرن، تجربه‌ای هویت‌دار و معناگرا فراهم می‌آورد.
- بازخوانی خلاقانه عناصر نشانه‌ای و نمادها، پیوند با سنت و حافظه فرهنگی را تقویت می‌کند و حس تعلق به مکان و فرهنگ را ارتقاء می‌دهد.
- محدودیت‌ها و فشارهای اقتصادی و عملکردی، گاهی فاصله میان فرم و معنا ایجاد می‌کنند، اما فرصت‌هایی برای نوآوری معناگرا و حفظ هویت فراهم است.

به طور کلی، معماری مسجد معاصر موفق، فضایی است که معنا، تجربه انسانی و حافظه فرهنگی را در مرکز طراحی قرار می‌دهد و ضمن پاسخگویی به نیازهای زمانه، تجربه عبادی کاربران را ارتقاء داده و الگویی پایدار برای طراحی فضاهای مذهبی ارائه می‌کند.

۵-۶ یافته‌های تحقیق

یافته‌های پژوهش حاضر، حاصل بررسی تطبیقی چهار نمونه موردی تاریخی و معاصر، نشان می‌دهد که مؤلفه‌های کالبدی معماری، مانند فرم، هندسه فضایی، نور، مصالح و تزئینات، نقش کلیدی در شکل‌گیری هویت فضایی و تجربه انسانی کاربران دارند. این بخش به تفکیک نمونه‌های موردی تاریخی و معاصر ارائه می‌شود تا ابعاد مختلف تجربه فضایی و معنایی کاربران در مساجد بررسی شود.

یافته‌های مرتبط با مساجد تاریخی

مسجد امام اصفهان

- در بررسی مسجد امام، انسجام میان هندسه متقارن، توازن سلسله‌مراتبی فضاها و نور طبیعی مشهود است. ورودی‌ها و فضاهای میانی مسجد با مسیرهای روشن و سلسله‌مراتبی، کاربران را به تدریج به فضای اصلی عبادت هدایت می‌کنند و تجربه‌ای چندلایه از حضور و آرامش روانی ایجاد می‌نمایند. تزئینات و مقرنس‌ها، علاوه بر زیبایی‌شناسی، نقش نشانه‌ای دارند و حس تعلق به فرهنگ و سنت اسلامی را در کاربران تقویت می‌کنند. تجربه کاربران نشان می‌دهد که تعامل با فضای مسجد فراتر از عملکرد صرف، شامل حضور معنوی، ارتباط با تاریخ و احساس پیوند با جامعه است.

مسجد شیخ لطف‌الله

- مسجد شیخ لطف‌الله با گنبد فیروزه‌ای و هندسه دقیق کاشی‌کاری‌ها، تجربه‌ای متفاوت از مسجد امام ارائه می‌دهد، اما همچنان تأکید بر سلسله‌مراتب فضایی و نورپردازی طبیعی مشهود است. مسیر حرکت کاربران و تمرکز بصری بر محراب، به تجربه عرفانی و تأمل فردی منجر می‌شود. رفتار عبادی کاربران در این مسجد نشان می‌دهد که ترکیب فرم، نور و تزئینات، حس حضور و معنویت را به‌طور محسوس افزایش می‌دهد. همچنین، هماهنگی مصالح بومی و رنگ‌ها با حافظه جمعی، پیوند میان فرهنگ و تجربه مکانی را تقویت می‌کند.

یافته‌های مرتبط با مساجد معاصر

مسجد جامع شهرک غرب تهران

- در این مسجد معاصر، طراحی با الهام از فرم‌های سنتی، اما با مصالح و تکنیک‌های نوین انجام شده است. بازخوانی خلاقانه عناصر سنتی، مانند محراب و مناره، همراه با سازمان فضایی سلسله‌مراتبی، تجربه‌ای معناگرا و چندلایه ایجاد کرده است. نورپردازی ترکیبی و استفاده از مصالح مدرن در جهت ایجاد کیفیت روانی و معنوی فضا، باعث شده تا کاربران علاوه بر انجام وظایف عبادی، تجربه‌ای از تعلق فرهنگی و حضور معنوی را نیز تجربه کنند. مسیرهای حرکت و ترکیب فرم‌های افقی و عمودی، حس کشش و تمرکز بر مرکز عبادت را ارتقاء می‌دهند.

مسجد جامع کلن (آلمان)

- این مسجد به دلیل محدودیت‌های اقتصادی و اجرایی، بسیاری از مؤلفه‌های سنتی را حذف یا سطحی بازتولید کرده است. گنبد و فضای داخلی فاقد سلسله‌مراتب واضح است و نور طبیعی محدود، کیفیت تجربه معنوی کاربران را کاهش داده است. بازخورد کاربران نشان می‌دهد که تجربه حضور در فضا عمدتاً عملکردی و بصری است و حس تعلق فرهنگی و معنویت به میزان قابل توجهی کاهش یافته است. با این حال، برخی از فضاهای نیمه باز و ترکیب مصالح نوین، فرصت‌هایی برای تعامل معنایی فراهم می‌کنند، هرچند این تجربه به اندازه مساجد تاریخی یا نمونه معاصر موفق، چندلایه و عمیق نیست.

جدول ۱. تحلیل تطبیقی مؤلفه‌های کالبدی و تجربه انسانی در نمونه‌های موردی مساجد تاریخی و معاصر

نمونه موردی	فرم و هندسه فضایی	نور و روشنایی	کیفیت مصالح و سازه	تزئینات و نشانه‌ای	عناصر تجربه انسانی و معنوی	نقاط قوت و ضعف در
مسجد امام اصفهان	هندسه متقارن و سلسله‌مراتبی، فضای مرکزی و محاطی؛ خلق محوریت معنوی و جهت‌گیری عبادتی مشخص	نور طبیعی از گنبد و پنجره‌های جانبی با شدت و رنگ مناسب، ایجاد تأثیر روانی و معنوی	استفاده از مصالح بومی و سنتی مانند آجر و کاشی، همخوان با اقلیم و فرهنگ	کاشی‌کاری‌های هندسی و خطی، محراب و مناره با نمادگرایی دقیق	تجربه چندلایه معنوی و حس آرامش روانی و تعلق فرهنگی	حفظ کامل هویت تاریخی و معنایی؛ نقاط ضعف تقریباً ندارد
مسجد جامع شهرک غرب تهران	سازمان فضایی سلسله‌مراتبی با محوریت نمازخانه اصلی، فرم‌ها بازخوانی خلاقانه سنتی	نور طبیعی محدود اما کنترل شده، استفاده از نور مصنوعی جهت تکمیل تجربه فضایی	مصالح مدرن ترکیب با جزئیات سنتی، بتن، شیشه و سنگ	عناصر نشانه‌ای بازخوانی شده (محراب و مناره) با رویکرد مدرن	تجربه معنوی قابل قبول، حس تعلق و حضور نسبی، اما کمتر چندلایه	نقاط قوت: تلفیق نوگرایی و سنت؛ نقاط ضعف: محدودیت در عمق تجربه تاریخی
مسجد جامع کلن (آلمان)	فرم ساده و مدرن، فقدان هندسه سلسله‌مراتبی، طراحی عملکردمحور	نور محدود و مصنوعی، عدم تأکید بر کیفیت روانی نور	مصالح صنعتی و مدرن، عدم پیوند با فرهنگ محلی	تزئینات حداقلی، نمادهای سنتی حذف یا سطحی بازتولید شده	تجربه معنوی ضعیف و حس ایجاد یک‌بعدی، تعلق کمتر	نقاط ضعف: کاهش هویت و معنا، ضعف در ایجاد حس حضور معنوی؛ نقاط قوت: کارکرد عملی و عملکردی مدرن

تحلیل داده‌های مشاهده‌ای و میدانی نشان می‌دهد که برخی مؤلفه‌ها در تمامی نمونه‌ها نقش تعیین‌کننده دارند:

- انسجام هندسی و سلسله‌مراتب فضایی:** هم در مساجد تاریخی و هم در نمونه معاصر موفق، سلسله‌مراتب فضا و هماهنگی هندسی، تجربه حضور و حرکت کاربران را جهت‌دهی می‌کند.
- نور طبیعی و روشنایی:** نور طبیعی، چه به شکل مستقیم و چه از طریق بازتاب مصالح و تزئینات، کیفیت روانی و معنوی فضا را ارتقاء می‌دهد و تجربه عرفانی کاربران را تقویت می‌کند.
- مصالح و رنگ‌ها:** هماهنگی مصالح با فرهنگ و حافظه جمعی کاربران، در مساجد تاریخی و نمونه معاصر موفق، حس تعلق و ارتباط فرهنگی را افزایش می‌دهد.

• **تزئینات و عناصر نشانه‌ای:** نقش نشانه‌ها و تزئینات قرآنی یا هندسی، علاوه بر زیبایی‌شناسی، در انتقال معنا و تجربه چندلایه فضایی، بسیار مؤثر است. پژوهش نشان داد که طراحان معاصر غالباً با محدودیت‌های اقتصادی، اجرایی و اجتماعی مواجه‌اند، که ممکن است موجب حذف مؤلفه‌های نشانه‌ای و تمرکز صرف بر عملکرد شود. با این حال، نمونه مسجد جامع شهرک غرب تهران نشان می‌دهد که ادغام هوشمند نوگرایی با اصول معناگرا و تجربه‌محور سنت، امکان خلق فضاهای هویت‌مند و ماندگار را فراهم می‌آورد. این یافته‌ها بر ضرورت توسعه چارچوب‌های طراحی معناگرا و انسان‌محور در معماری معاصر تأکید می‌کنند. در نهایت، یافته‌های تحقیق حاکی از آن است که موفقیت معماری مساجد معاصر در ایجاد فضاهای هویت‌مند و معنابخش، مستلزم:

- حفظ سلسله‌مراتب فضایی و انسجام هندسی
- توجه به نور طبیعی و کیفیت روشنایی
- بهره‌گیری از مصالح و رنگ‌های هماهنگ با حافظه جمعی
- بازخوانی خلاقانه عناصر سنتی و نشانه‌های فرهنگی
- ترکیب هوشمند نوگرایی با اصول معناگرا و تجربه‌محور سنت

یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهند که مؤلفه‌های کالبدی معماری، از جمله فرم، هندسه فضایی، نور، مصالح و تزئینات، نقش کلیدی در شکل‌گیری و تقویت شاخصه‌های هویتی مساجد معاصر دارند. تحلیل تطبیقی نمونه‌های تاریخی و معاصر نشان می‌دهد که پیوند هوشمندانه میان این عناصر با تجربه زیسته کاربران و حافظه فرهنگی، می‌تواند فضاهایی با هویت فضایی پایدار، معناگرا و انسان‌محور ایجاد کند. در ادامه، هر یک از مؤلفه‌ها به تفصیل و با تمرکز بر تجربه انسانی و معنوی کاربران تحلیل شده است.

فرم و هندسه فضایی

مساجد تاریخی: مسجد امام و مسجد شیخ لطف‌الله با بهره‌گیری از هندسه متقارن و سلسله‌مراتبی، مسیرهای حرکت مشخص و مرکزیت معنوی قوی، تجربه فضایی چندلایه ایجاد می‌کنند. سلسله‌مراتب فضایی، کاربران را به درک عمق فضا، حرکت تدریجی و توقف‌های معنوی دعوت می‌کند. محور مرکزی نمازخانه و ورودی‌های جانبی حس پیوند میان فضای بیرونی و درونی و نیز میان عبادت‌کنندگان و خداوند را تقویت می‌کند. این طراحی موجب ایجاد تجربه‌ای است که هم از نظر بصری جذاب و هم از نظر معنوی غنی است.

مساجد معاصر: مسجد جامع شهرک غرب با بازخوانی خلاقانه فرم‌های سنتی، سلسله‌مراتب فضایی نسبی ایجاد می‌کند و محوریت نمازخانه را حفظ می‌کند، اما پیچیدگی هندسی و انعطاف‌پذیری مساجد تاریخی را ندارد. مسجد جامع کلن به دلیل فرم ساده و مدرن و فقدان سلسله‌مراتب فضایی، تجربه حضور معنوی چندلایه را کاهش داده و کاربران را محدود به تجربه عملکردی و بصری می‌کند.

نور و کیفیت روشنایی

مساجد تاریخی: نور طبیعی از گنبد و پنجره‌ها به گونه‌ای کنترل شده که تجربه بصری و معنوی چندلایه ایجاد شود. شدت، رنگ و جهت نور با حس مکان و عبادت هماهنگ است؛ تابش نور از گنبد مسجد امام در ساعات مختلف روز، تغییرات سایه و روشن را خلق می‌کند که حرکت معنوی و آرامش روانی کاربران را تقویت می‌کند.

مساجد معاصر: مسجد جامع شهرک غرب از نور طبیعی محدود بهره می‌برد و با نور مصنوعی هوشمند ترکیب شده است تا تجربه بصری و معنوی نسبی ایجاد شود. مسجد جامع کلن عمدتاً از نور مصنوعی استفاده می‌کند، که کیفیت روانی و معنوی نور کاهش یافته و حس حضور در فضا یک‌بعدی می‌شود.

مصالح و سازه

مساجد تاریخی: استفاده از مصالح بومی مانند آجر، سنگ و کاشی، همخوان با اقلیم و فرهنگ محلی و تقویت‌کننده حس تعلق تاریخی و هویت فرهنگی است. این مصالح به‌طور مستقیم تجربه کاربران را با محیط پیرامونی و فرهنگ تاریخی پیوند می‌دهد.

مساجد معاصر: مسجد جامع شهرک غرب ترکیبی از مصالح مدرن و سنتی دارد؛ بتن و شیشه با سنگ و کاشی سنتی تلفیق شده است که تجربه نسبی موفق ایجاد می‌کند. مسجد جامع کلن عمدتاً مصالح صنعتی و مدرن دارد و فاقد پیوند ملموس با فرهنگ یا اقلیم است، که تجربه فضایی و معنوی را محدود کرده است.

تزئینات و عناصر نشانه‌ای

مساجد تاریخی: تزئینات هندسی، خطی، گیاهی و قرآنی، محراب و مناره به عنوان نمادهای معناگرا، تجربه‌ای چندلایه و هماهنگ با سنت و هویت فضایی ایجاد می‌کنند. این عناصر نه تنها زیبایی‌شناسی را تقویت می‌کنند بلکه حس تعلق به فرهنگ و سنت را نیز منتقل می‌کنند.

مساجد معاصر: مسجد جامع شهرک غرب عناصر نشانه‌ای بازخوانی شده دارد، اما به صورت محدود و مدرن. محراب و مناره به شکل ساده و انتزاعی طراحی شده‌اند، که تجربه معنوی را نسبی کرده است. مسجد جامع کلن تقریباً فاقد تزئینات و نمادهای سنتی است، که منجر به کاهش حس تعلق و تجربه قدسی شده است.

تجربه انسانی و معنوی

مساجد تاریخی: تجربه حضور در فضا چندلایه است؛ کاربران همزمان حس زیبایی‌شناسی، معنویت و تعلق به فرهنگ و تاریخ را تجربه می‌کنند. تعامل با فضا، نور، مصالح و تزئینات موجب می‌شود حضور جسمانی با حضور معنوی هم‌زمان شود.

مساجد معاصر: مسجد جامع شهرک غرب تجربه معنوی نسبی ارائه می‌کند، حس تعلق به فضای عبادی و فرهنگی حفظ شده ولی کمتر از نمونه‌های تاریخی است. مسجد جامع کلن تجربه معنوی یک‌بعدی و کارکردی دارد؛ حس تعلق و حضور معنوی به شدت کاهش یافته است.

جدول ۲. تحلیل تطبیقی مؤلفه‌های کالبدی، نورپردازی، مصالح و تجربه انسانی در مساجد تاریخی و معاصر

نمونه موردی	فرم و هندسه فضایی	نور و روشنایی	کیفیت مصالح و سازه	تزئینات و عناصر نشانه‌ای	تجربه انسانی و معنوی	تحلیل نهایی و نقاط قوت/ضعف
مسجد امام اصفهان	هندسه متقارن و سلسله‌مراتبی، مسیره‌های محور مشخص، مرکزی و فضاهای توقف	نور طبیعی کنترل شده از گنبد و پنجره‌ها، تغییرات سایه و روشن به‌طور تدریجی	آجر، کاشی، سنگ، همخوان با اقلیم و فرهنگ	تزئینات هندسی و خطی، محراب و مناره معناگرا	تجربه چندلایه حضور، حس تعلق، آرامش روانی و معنویت	حفظ کامل هویت تاریخی و معنایی، الگویی موفق برای طراحی معناگرا
مسجد شیخ لطف‌الله	هندسه غیرمحور و خمیده، انعطاف‌پذیر، حرکت مشخص	نور نرم و پراکنده، تجربه بصری و معنوی تقویت شده	مصالح سنتی با کیفیت بالا، سنگ و گچ	نقوش گیاهی و خطی، محراب نمادین	حس مکان و حضور معنوی قوی، تجربه فردی و جمعی هماهنگ	حفظ هویت و معنویت کامل، محدودیت انطباق با عملکرد مدرن ندارد
مسجد جامع شهرک غرب تهران	سازمان سلسله‌مراتبی بازخوانی خلاقانه محور نمازخانه حفظ شده	نور طبیعی محدود، تکمیل با نور مصنوعی هوشمند	ترکیب مصالح مدرن و سنتی، بتن، شیشه و سنگ	عناصر نشانه‌ای بازخوانی شده، محراب و مناره مدرن	تجربه معنوی نسبی، حس تعلق و حضور قابل قبول	نقاط قوت: تلفیق نوگرایی و سنت، نقاط ضعف: تجربه معنوی کمتر چندلایه، محدودیت حس تاریخی
مسجد جامع کلن (آلمان)	فرم ساده و مدرن، فاقد سلسله‌مراتب، طراحی صرفاً عملکردی	نور مصنوعی غالب، کیفیت روانی و معنوی کاهش یافته	مصالح صنعتی و مدرن، فاقد پیوند با فرهنگ	تزئینات حداقلی، نمادهای سنتی حذف یا سطحی	تجربه معنوی ضعیف و یک‌بعدی، حس تعلق کم	نقاط ضعف: کاهش هویت و معنا، ضعف در ایجاد حس حضور معنوی؛ نقاط قوت، کارکرد عملی و عملکردی

- انسجام میان فرم، هندسه، نور، مصالح و تزئینات و پیوند آنها با حافظه فرهنگی و تجربه انسانی، شاخصه اصلی هویت فضایی، فرهنگی و معنوی مساجد است.
- مساجد تاریخی تجربه معنوی چندلایه و حس تعلق عمیق ایجاد می‌کنند و الگویی پایدار برای طراحی معناگرا هستند.
- مساجد معاصر، بسته به میزان بازخوانی سنت و نوگرایی، تجربه معنوی نسبی تا ضعیف ارائه می‌دهند.
- نوآوری معناگرا، ادغام هوشمند سنت و فناوری، و حفظ تجربه انسانی، شرط اصلی طراحی مساجد هویت‌مند و ماندگار است.
- این تحلیل، چارچوبی علمی و انسان‌محور برای طراحی مساجد معاصر فراهم می‌آورد که هم کیفیت فضایی و معنوی ارتقاء یابد و هم پیوند با حافظه فرهنگی و تجربه عبادی کاربران حفظ شود.

نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر با هدف بررسی تأثیر مؤلفه‌های کالبدی معماری بر شاخصه‌های هویتی مساجد معاصر ایران، با رویکرد کیفی و تحلیل تطبیقی، چهار نمونه تاریخی و معاصر را مورد مطالعه قرار داد. یافته‌ها نشان داد که هویت فضایی، معنوی و فرهنگی مساجد، رابطه‌ای مستقیم با انسجام میان فرم، هندسه فضایی، نور، مصالح و تزئینات و نیز پیوند این مؤلفه‌ها با حافظه فرهنگی و تجربه انسانی دارد.

مساجد تاریخی، با بهره‌گیری از هندسه متقارن، سلسله‌مراتب فضایی، نور طبیعی، مصالح بومی و تزئینات معناگرا، تجربه‌ای چندلایه از حضور، تعلق و معنویت برای کاربران خلق می‌کردند. این تجربه هم زیبایی‌شناسی و هم حس حضور معنوی را تقویت می‌کرد. در مقابل، مساجد معاصر که بسیاری از این مؤلفه‌ها را حذف یا سطحی بازتولید نموده‌اند، تجربه کاربران را محدود به جنبه‌های عملکردی و بصری کرده و حس تعلق، حضور و معنویت را کاهش داده‌اند. بنابراین، معماری مسجد معاصر موفق، آن است که نه صرفاً فرم‌ها را بازتولید کند، بلکه معنا، تجربه انسانی و حافظه فرهنگی را در مرکز طراحی قرار دهد. ترکیب خلاقانه عناصر سنتی با فناوری و مصالح نوین در خدمت معنا، شرط اصلی خلق فضاهای هویت‌مند، انسان‌محور و معنابخش است؛ فضایی که هم با روح زمانه و هم با روح عبادت هم‌ساز باشد و الگویی پایدار برای طراحی فضاهای مذهبی امروز ارائه کند.

یافته‌های این مطالعه می‌توانند راهنمایی عملی برای معماران، طراحان شهری و نهادهای تصمیم‌گیرنده فراهم کنند تا:

- فرم‌ها و عناصر سنتی را به‌صورت معناگرا بازخوانی کنند و از تقلید صرف سطحی پرهیز نمایند.
 - سازمان فضایی سلسله‌مراتبی و مسیرهای حرکت را با توجه به تجربه عبادی کاربران طراحی کنند.
 - نور، مصالح و تزئینات را به گونه‌ای انتخاب نمایند که کیفیت روانی و معنوی فضا ارتقاء یابد.
 - تلفیق نوگرایی و سنت را به‌عنوان یک راهبرد عملی برای حفظ هویت و معنا در مساجد معاصر به کار گیرند.
- با وجود غنای داده‌ها و تحلیل تطبیقی، پژوهش حاضر محدود به چهار نمونه موردی بود و ممکن است تمامی تنوع‌های معماری مساجد در ایران و جهان را پوشش ندهد. پژوهش‌های آینده می‌توانند:

- نمونه‌های بیشتری از مساجد با سبک‌ها و مناطق مختلف جغرافیایی را بررسی کنند.
 - از روش‌های کمی برای سنجش ادراک کاربران و تأثیرات روانی و معنوی فضا بهره ببرند.
 - به بررسی تعامل میان طراحی کالبدی، فعالیت‌های اجتماعی و کارکردهای عبادی در مساجد معاصر بپردازند.
 - چارچوب‌های طراحی معناگرا و انسان‌محور را در مسیر توسعه معماری معاصر ارزیابی کنند.
- در مجموع، این پژوهش نشان داد که حفظ تعادل میان نوگرایی و سنت، فرم و معنا، عملکرد و تجربه عبادی، کلید ایجاد مساجد معاصر هویت‌مند، ماندگار و معنابخش است. چنین رویکردی نه تنها کیفیت فضایی و زیبایی‌شناسی مساجد را ارتقاء می‌دهد، بلکه پیوند میان جامعه، فرهنگ و معنویت را نیز تقویت کرده و الگویی عملی برای طراحی فضاهای مذهبی امروز فراهم می‌آورد.

مشارکت نویسندگان

در نگارش این مقاله تمامی نویسندگان نقش یکسانی ایفا کردند.

تشکر و قدردانی

از تمامی کسانی که در طی مراحل این پژوهش به ما یاری رساندند تشکر و قدردانی می‌گردد.

تعارض منافع

در انجام مطالعه حاضر، هیچ‌گونه تضاد منافی وجود ندارد.

حمایت مالی

این پژوهش حامی مالی نداشته است.

موازن اخلاقی

در انجام این پژوهش تمامی موازن و اصول اخلاقی رعایت گردیده است.

خلاصه مبسوط

Extended Abstract

The architectural evolution of mosques represents a complex interplay between physical form, cultural meaning, and human experience, where built environments function not only as spaces of ritual practice but also as embodiments of collective identity and spiritual continuity. Historically, mosques have occupied a central position within Islamic societies as multifunctional institutions integrating religious, cultural, and social dimensions. Their architectural language has been shaped through centuries of adaptation, reflecting broader transformations within the Islamic world while maintaining a coherent symbolic vocabulary rooted in geometry, hierarchy, light, and ornamentation. As highlighted in the literature, the development of mosque architecture is not merely a linear progression of stylistic innovation but a manifestation of deeper socio-cultural and spiritual dynamics that define Islamic identity across time and space (1). In transnational contexts, particularly within European settings, mosque architecture has undergone reinterpretation under the influence of migration, globalization, and intercultural exchange, resulting in hybrid forms that negotiate between traditional Islamic aesthetics and contemporary design paradigms (2). However, this transformation has also introduced tensions, as some contemporary mosques prioritize functional efficiency or visual symbolism at the expense of experiential depth and spiritual resonance, thereby diminishing their capacity to evoke a meaningful sense of place (3). Within this context, the present study seeks to investigate how physical architectural components—specifically form, spatial geometry, light, materials, and ornamentation—contribute to the construction of identity in contemporary mosques, emphasizing the interrelationship between physical design, human perception, and cultural memory.

The theoretical foundation of this research is grounded in the concept that spatial identity in mosque architecture emerges through the integration of tangible and intangible dimensions, where physical elements act as mediators of meaning rather than mere formal constructs. Prior studies in Islamic architecture demonstrate that identity is not solely derived from structural or functional attributes but is deeply embedded in symbolic systems, cultural narratives, and experiential qualities that shape users' perception of space (1, 4). The notion of "meaning-oriented space" emphasizes that every architectural component—from geometric organization and spatial hierarchy to decorative motifs and light modulation—should contribute to a coherent experiential framework that enhances psychological and spiritual engagement (6, 7). Furthermore, local contexts, including

demographic composition and historical trajectories, significantly influence architectural expression and user experience in mosques, reinforcing the role of architecture as a cultural interface between tradition and contemporary identity (5). The erosion of traditional elements or their superficial replication in modern mosque design has been identified as a critical factor contributing to the loss of spatial identity and the weakening of users' emotional and spiritual connection to these spaces. Consequently, the challenge for contemporary mosque architecture lies in achieving a balance between preserving cultural continuity and accommodating modern functional and technological requirements.

A central dimension of this study is the analysis of physical components as determinants of human experience within mosque spaces, where architectural elements are understood as active agents in shaping perception, behavior, and emotional response. Comparative analyses of historical mosques such as the Imam Mosque and Sheikh Lotfollah Mosque in Isfahan reveal that symmetrical geometry, hierarchical spatial organization, and controlled natural lighting are fundamental in creating a multilayered experiential environment characterized by tranquility, orientation, and spiritual immersion (9, 10). These elements guide users through a sequence of spatial transitions that gradually intensify the sense of presence and sacredness, reinforcing both individual contemplation and collective identity. Empirical studies further indicate that the quality of spatial organization and visual symbolism directly influences users' sense of belonging and their connection to cultural heritage (11, 12). In contrast, contemporary mosques often exhibit a fragmentation of these integrative qualities, as economic constraints, functional demands, and design trends lead to the simplification or omission of key spatial elements. This shift results in environments that may fulfill practical requirements but lack the depth and coherence necessary to sustain meaningful human experience, highlighting the importance of re-evaluating the role of physical components in architectural design.

The interaction between tradition and modernity constitutes another critical axis of analysis in this research, particularly in relation to the integration of new materials and technologies within the architectural framework of mosques. While modern construction techniques and industrial materials have enabled unprecedented formal innovation and functional efficiency, their uncritical application can disrupt the symbolic and experiential coherence of sacred spaces, leading to a reduction in perceived sanctity and cultural authenticity (15). Scholars argue that the successful adaptation of mosque architecture in contemporary contexts requires a creative reinterpretation of traditional principles rather than their literal reproduction, emphasizing the need for a conceptual rather than stylistic approach to design (9, 13). This perspective challenges the dichotomy between historical imitation and radical modernism, proposing instead a hybrid model that integrates meaning-oriented traditional elements with innovative design strategies. The evolution of Islamic religious architecture in recent decades reflects broader cultural and technological transformations, where mosques serve as visible symbols of collective identity while simultaneously responding to the demands of modern urban environments (2, 16). Within this framework, architectural identity is redefined as a dynamic process shaped by continuous negotiation between continuity and change.

Methodologically, this study adopts a qualitative, comparative, and analytical approach to examine the relationship between physical components and identity characteristics in mosque architecture. Four case studies were selected to represent both historical and contemporary contexts: the Imam Mosque and Sheikh Lotfollah Mosque in Isfahan as exemplary traditional models, and the Shahrak-e Gharb Grand Mosque in Tehran alongside the Cologne Central Mosque in Germany as contemporary counterparts. Data collection was conducted through a combination of field observations, architectural documentation, and library-based research, enabling a comprehensive analysis of spatial configurations, material properties, lighting conditions, and decorative elements. The analytical process involved both individual case analysis and cross-case comparison, focusing on the coherence between physical components and user experience. This methodological framework allows for the identification of patterns, divergences, and design implications, providing a robust basis for evaluating how architectural elements contribute

to the formation of spatial identity . By integrating empirical observation with theoretical insights, the study seeks to bridge the gap between descriptive analysis and design-oriented application.

The findings of the study demonstrate that the coherence and integration of physical components play a decisive role in shaping the spatial, spiritual, and cultural identity of mosques. Historical mosques exhibit a high degree of alignment between form, spatial geometry, light, materials, and ornamentation, resulting in environments that foster a profound sense of presence, belonging, and spiritual engagement. These spaces are characterized by a multilayered experiential structure in which users actively participate in the construction of meaning through movement, perception, and ritual practice. In contrast, some contemporary mosques exhibit a disjunction between form and meaning, as the elimination or superficial reinterpretation of traditional elements leads to a reduction in experiential richness and a focus on functional or visual aspects. However, the study also identifies examples of successful contemporary design, such as the Shahrak-e Gharb Grand Mosque, where the creative integration of traditional elements with modern materials and technologies results in identity-rich and sustainable spaces. These findings underscore the importance of adopting a holistic design approach that prioritizes human experience and cultural memory as central components of architectural identity, rather than treating them as secondary considerations.

In conclusion, the study highlights that the creation of identity-oriented mosque architecture in contemporary contexts requires a fundamental rethinking of design principles, moving beyond the replication of historical forms toward a deeper engagement with meaning, experience, and cultural continuity. The integration of physical components must be guided by an understanding of their symbolic and experiential significance, ensuring that architectural spaces resonate with users on both emotional and spiritual levels. By emphasizing the interplay between tradition and innovation, the research provides a conceptual framework for designing mosques that are not only functionally effective but also culturally meaningful and experientially rich. Such an approach contributes to the development of sustainable architectural practices that reinforce the connection between society, culture, and spirituality, offering a viable model for the future of religious architecture in a rapidly changing world.

References

1. Noghrekar A. Spatial identity and spirituality in Iranian mosque architecture. *Journal of Cultural Studies and Islamic Architecture*. 2020(45):98-115.
2. Al Khalifa HE. Ornamentation and Islamic Identity in Contemporary Mosque Architecture. *Buildings*. 2025;15(3).
3. Putra S. Modern Mosque Architecture and its Impact on Islamic Identity: A Study of Mosques in European Countries. *Journal of Noesantara Islamic Studies*. 2025;7(1).
4. Nasr SH. *Architecture and Spirituality*. Tehran: Rowzaneh Publishing; 2004.
5. Khanzadeh M. Aesthetic and Functional Analysis of Mosque Entrance Design. *International Journal of Architectural Research*. 2024.
6. Khakzand M. The impact of religious space on human experience. *Quarterly Journal of Islamic Art and Architecture*. 2008(12):25-40.
7. Falahat MR. Human experience and sense of belonging in places of worship. *Journal of Architectural and Urban Studies*. 2017;15(4):78-95.
8. Hrpub. What Influences the Delivery of Islamic Identity Using Contemporary Architectural Elements? *JO*. 2024.
9. Nadimi H. *Geometry and spatial hierarchy in historical mosques*. Tehran: Tehran University Press; 2006.
10. Pirnia A. *Jameh Mosque of Isfahan: Historical and architectural study*. Tehran: Cultural Heritage Organization; 1996.
11. Hamzenejad M, Arabi M. Hierarchical design of space and its role in enhancing the sense of place. *Journal of Architectural and Urban Research*. 2013;10(2):50-68.
12. Kiani H, Arayesh M. The role of visual elements in the cultural memory of mosque architecture. *Journal of Fine Arts*. 2013;7(3):112-30.
13. Ardalan N. *Iranian Architecture: Tradition and Modernity*. Tehran: Nashr-e Markaz; 2008.
14. Zomarshidi H. The role of physical components in architectural semanticism. *Journal of Contemporary Architecture*. 2006;6(1):45-60.

15. Pourbagher A. New technologies in contemporary mosque architecture. Quarterly Journal of Innovation in Architecture. 2023(2):32-50.
16. Ahmed AQ. The Effects of Modern Architecture on the Evolution of Mosque Identity. Buildings. 2024;14(2).